

برداشت‌های یک بعدی از اسلام

شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

- این درست نیست که حکومت مردم در دست ما باشد و کسی پیدا شود که شب گرسنه بخوابد؛ کسی که نگران است که پناهگاهش بر سر او و عزیزانش خراب شود. از آب آلوده برای خود و خانواده‌اش استفاده کند. از بیماری به ستوه آمده باشد و پولی برای درمان نداشته باشد و خود و عزیزانش در معرض خطر باشد. این قابل قبول نیست.

- نه اصالت فرد به صورت مطلق و نه اصالت جمع به طور مطلق. تأثیر متقابل فرد انسان و جامعه‌ی انسانی بر روی یکدیگر.



مبارز ما باید با حال
عبادت کند و عابدان
ما باید با نشاط مبارزه
کنند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- ۳ توجه اسلام به حس ، عقل و عرفان
- ۵ توجه اسلام به نیازهای جنسی
- ۶ نظر اسلام در مورد اصل بودن فرد یا اصل بودن اجتماع
- ۸ ویژگی های مجاهد اسلام
- ۹ جذب حداکثری و دفع حداقلی
- ۹ توجه اسلام به مسایل اقتصادی
- ۱۰ فکر انقلاب باید به حال اقشار ضعیف

موضوع بحثی که برای امروز انتخاب شده است برداشت‌های یک بعدی از اسلام است.

اسلام آیین انسان و انسانیت است. صراط مستقیم و راه راست انسان زیستن است. به همین جهت به همه‌ی جوانب هستی انسان عنایت دارد. و هیچگاه در قالب نگرش‌ها و برداشت‌های تک بعدی نمی‌شود اسلام را یافت. به همان قدر که انسان موجودی است چند بُعدی، اسلام هم آیینی است چند بُعدی. اگر بیاییم یکی از این ابعاد را بیش از حد برجسته کنیم یا ابعاد دیگر را محو کنیم دچار اشتباه شده‌ایم.

توجه اسلام به حس، عقل و عرفان

انسان دارای بعد حسی در شناخت، و دارای بعد عقلی و دارای بعد عرفانی و عشق و شور است. انسان موجودی نیست که عقل و خرد و اندیشه‌ی یکپارچه باشد تا با اندیشه‌ی تحلیل‌گر با او برخورد کنیم که دل خود را خوش کنیم که ما با قدرت تجزیه و تحلیل فراوان با مسأله‌ی انسانیت و انسان و جهان برخورد کردیم. پس ابر فکر هستیم. در انسان یک بُعد دیگر است در زمینه شناخت و در زمینه معرفت، که به او می‌گوییم بُعد عرفانی، بُعد عشق، بعد حال.

عاقل‌مرد و عاقل‌زن زیستن، زندگی را بی‌مزه و بی‌جاذبه می‌کند، زندگی عشق و شور می‌خواهد و با عشق و شور چیزهایی را می‌شد فهمید که با این عقل تحلیل‌گر هرگز قادر نیستیم. آن انسان تک بعدی، خردمند، خردمندانه، که به ستوه آمده و می‌گوید: آزمودم عقل دور اندیش را بعد از دیوانه سازم خویش را، این حرف حسابی زده است.

راستی اگر زندگی انسان صرفاً بخواهد عقل باشد، اندیشه زندگی جاذبه خودش را از دست می‌دهد؛

به همین دلیل در فرهنگ شناخت قرآن تکیه روی قلب بیشتر است تا روی لب. تکیه روی تفقه هم فراوان است البته روی تعقل و روی تدبّر تکیه است.

انسان اسلام هم مغزش کار می‌کند و هم قلبش. چون یکی از نقش‌های قلب، در انسان این است که بازتاب اندیشه‌ها را روی عواطف و امیال انسان به سرعت نشان می‌دهد. وقتی می‌ترسید اولین بار ترس را کجا حس می‌کنید؟ در ضربان و در کار قلب. وقتی هیجان زده می‌شود اولین بار هیجان را در کجا حس می‌کنید؟ می‌گوید دلم گرفته است، اینجا چه جای دلگیری است. یا می‌گوید اینجا چه جای دل‌بازی است.

یعنی وقتی که دریافت‌های مغز و خرد منتقل می‌شود، به انگیزه‌های زندگی انسان و به آنچه زندگی انسان را می‌سازد و جهت می‌دهد و شکل می‌دهد و آب و رنگ می‌دهد، آنجا بازتابش را روی قلب می‌یابید، این است که می‌بینید در فرهنگ قرآن تکیه زیادی روی قلب است. "لهم قلوبهم لا یفقهون بها" و در عین اینکه قرآن و فرهنگ قرآن روی عقل تکیه می‌دهد از نقش حس به هیچ عنوان غفلت نمی‌کند. دیدن چشم و شنیدن گوش این دو دروازه‌ی بزرگ و وسیع و فعال و پُر اثر آگاهی را روی آنها تکیه می‌کند. سمع، بصر و فواد. "ان السمع والبصر والفواد کل اولئک کان عنهم مسئولا".

بنابراین وقتی در باب معرفت وارد می‌شوید می‌بینید اسلام تک بعدی نیست، نه مکتب حسی فقط، نه مکتب عقلی فقط، نه مکتب عرفانی فقط، هم حسی، هم عقلی و هم عرفانی.

و وقتی می‌گویم حسی، تجربی را هم شامل می‌شود. چون در این مکتب‌های شناخت، قرینه‌سازی هست بین عناوین.

هم حسی، هم عقلی، هم عرفانی و هم کشفی، شهودی و ذوقی. اسلام وقتی می‌خواهد به انسان به عنوان یک دستگاه نگاه کند؛ این دستگاه کوچک از نظر حجم و پیچیده و بزرگ از نظر نقش، می‌بینید اسلام به این مجموعه انسان به صورت یک سیستم، یک مجموعه‌ی بهم بسته و بهم پیوسته نگاه می‌کند.

نیازهایش را در همه ابعاد مورد توجه قرار می‌دهد، انسان هم جسم است و هم جان. هم نیازهای بدنی دارد و هم نیازهای روحی دارد. هم نیاز اقتصادی دارد و هم نیاز معنوی. اسلام وقتی می‌خواهد راه را نشان دهد برای ارضای نیازهای مادی و بدنی انسان، چنان آنرا می‌آمیزد با نیازهای عاطفی و روحی و معنوی تا نشان دهد حتی در ارضای یک نیاز مادی نمی‌توان از نقش آن در ارضای نیازهای معنوی غافل بود.

مثلا به انسان می‌خواهد بگو غذا بخورد، اسلام در اینجا که از غذا خوردن انسان یاد می‌کند، در عین حال توصیه می‌کند پُرخوری نکن چرا که از بهداشت غفلت می‌کنید، یعنی از افعال دیگر غفلت نمی‌کند. غذا که می‌خورید سیر نخورید زیرا هم به بهداشت بدنت ضربه می‌زنید و هم به وجدانت آسیب می‌رساند. انسانی که پرخوری می‌کند، می‌گوید ای انسانی که پُرمی‌خوری مراقب باش که از انسانیت خارج می‌شوی، تبدیل می‌شوی به یک حیوان که مُدام در پی شکم‌بارگی است. بنگر اگر تو سیر می‌خوری همسایه‌ی گرسنه داری یا نه؟ تازه فقط همسایه دیوار به دیوار نیست! بلکه حقوق همسایگی تا چهل خانه، برقرار است، در واقع یک محله بزرگ می‌شود.

در روایات داریم که خداوند از کسی که از پُرخوری همیشه آرق می‌زند بدش می‌آید. چه می‌خواهد به انسان یاد بدهد؟ چه چیزی به انسان می‌خواهد بگوید؟ با چه نگاهی به انسان می‌نگرد؟ با چه نگاهی به غذا خوردن انسان می‌نگرد؟

در روایات می‌فرماید: من دوست ندارم بر سر سفره‌ای بنشینم که غذاهای رنگارنگ بر روی آن است. می‌فرماید هر لقمه‌ی که می‌خورید در همان وقت که می‌خورید مواظب باشید روزی حسابش را از تو می‌خواهند. از کجا آوردی و خوردی؟ در چه راهی صرف کردی؟

توجه اسلام به نیازهای جنسی

به همین صورت وقتی می‌خواهد به نیاز جنسی انسان توجه کند، همین نکات مطرح می‌شود. در عین حال اینکه نیاز جنسی را طبیعی می‌داند و تشویق به امر ازدواج می‌کند، اما می‌گوید این کشش جنسی برای لهو، لعب، هرزگی و فساد نیست.

وای اگر مسأله‌ی ارضای جنسی بشود محور روابط اجتماعی، حالا شما بیاپید حساب کنید تا به کجا فساد می‌رود، لباس برهنه و لخت هنر می‌شود، و اگر گفتید این برهنگی آتیشی به خزانه‌ی عفت اجتماع، عده‌ای با چماق ارتجاع شما را می‌کوبند.

مبادا ارضای جنسی بشود محور روابط اجتماعی تو ای انسان، مبادا این مسایل آزاد جنسی محور روابط زن و مرد بشود. که اگر به این سو برویم به پرتگاهی سقوط خواهید کرد که انسانیت خود را درون دفن کنید و ببازید.

پس برای چیست؟ این کشش جنسی در زن و مرد برای این است که در ورای آن کانون مهر، محبت، عاطفه، دلسوزی، آرامش، مسئولیت، فرزندآوری و تربیت فرزند به وجود بیاید. چقدر با هم فرق دارد. از جامعه‌ی جنسی تا جامعه‌ی الهی. آنجا بی‌مسئولیتی می‌آورد، از بین رفتن نسل انسان، اینجا مسئولیت‌زایی می‌کند برای انسان.

وقتی اسلام سخت‌گیری می‌کند در پوشش زن، در پوشش مرد، در صحبت کردن مرد، در صحبت کردن زن، در رفتار آنها در رابطه‌ی با یکدیگر، این تنگ‌نظری نیست، این وسعت نظر است چون این همه سونگری است اسلام نمی‌خواهد معنویت انسان در زباله‌دانی جنسیت و فکر نابود شود. اسلام نمی‌خواهد انسانی که باید عروج کند و معراج باشد و همه حواسش در اعلی‌علیین انسانیت متمرکز شود، به جایی برسد که جز به اندام‌های جنسی نیندیشد، این سقوط است.

همین نیاز جنسی حلالش را اسلام توصیه کرده است. - ببینید این روابط آزاد جنسی چقدر سریع ایدز را در دنیا ترویج داد، گناه موجب همه مشکلات انسان است. -

در اسلام هنر و موسیقی بسیار ارزش دارد بشرطی که در مسایل جنسی خلاصه نشود. خیلی فرق است بین هنری که نیازهای مسایل عاطفی، ذوق انسانی و نیاز معنوی انسان را تغذیه می‌کند، تا هنری که انسان را به سمت لهو و لعب، فساد جنسی یا فساد طاغوتی سوق می‌دهد. متأسفانه بخش عظیم هنر در دنیا مربوط به

مسایل جنسی شده است. بخشی هم به هنر طاغوتی، پادشاهان و افراد مستکبر مربوط شده است. بخشی هم البته می‌تواند و توانسته به معنویات انسانی بپردازد.

صدا و سیما باید تلاش کند تا هنرمندان بتوانند هنرهای واقعی انقلابی را ترویج بدهند.

هنری که کمک کند به انسان تا از زباله‌دان منحصر در مصرف، اوج بگیرد و بالا بیاید و معراج انسانیت را با سرعت بیشتر طی کند. این هنر است که موجب تشویق اسلام است.

ما انقلابی هستیم و حرفهایمان پوست و کنده و صریح است، با هنر جنسی، پوست کنده می‌گوییم مخالفیم، با هنر طاغوتی، پوست کنده می‌گوییم مخالفیم. هنر تعالی بخش انسان و انسان‌ساز را، صادقانه تشویق می‌کنیم. هنر نباید انسان را به حیوانیت شهوت یا حیوانیت طاغوتی بکشانند.

نظر اسلام در مورد اصل بودن فرد یا اصل بودن اجتماع

- مارکسیست‌ها - می‌گویند انسان باید غرق در اجتماع باشد و اصل اجتماع است در اینصورت آزادی برای فرد معنا ندارد.

اگر کسی بگوید انسان آزاد است و هم غرق در اجتماع است اشتباه است چرا که اگر آزاد است چگونه قطره‌ای محو شده در دریا. اصلاً چگونه خودی دارد، هر خودی دارد مربوط به جامعه است. بعد اینکه انسانی برخیزد علیه نظام طاغوتی بی‌معنا است چرا که اگر انسان غرق در اجتماع طاغوتی است پس دیگر جزئی از آن است و نمی‌تواند معنا پیدا کند جزئی از آن علیه خودش شورش کند! فرضی کنید گلی که جز لجنزار است بخواهد ریشه بزند و این ریشه دوباره گلی بدهد و همنیچور پیش برود تا تمام لجنزار را گلستان کند. غیر ممکن است! گلی که جزئی از لجنزار است بتواند لجنزار گلستان کند! باید حتماً استقلالی در رفتار از خود داشته باشد.

این قیام وقتی پیش می‌آید که انسان دارای شخصیت مستقل از جامعه باشد. انسان تابعی از محیط نیست. انسان هم خودساز است هم جامعه‌ساز است و هم محیط‌ساز. این است که در اسلام مسأله‌ی اصالت نسبی فردیت انسان مطرح است.

البته از آن طرف قضیه هم باید نگاه کرد. آیا انسان یک چیزی است که از محیطش کاملاً مستقل است. خیر، انسان هم از محیطش تأثیر می‌پذیرد. همچنین نمی‌شود از تأثیر محیط بر انسان غفلت کرد. محیط هم بر انسان اثر می‌گذارد. نمی‌شود یک بعدی نگاه کرد و گفت انسان آزاد است، خودساز است، مسلط است؛ از نظر

اسلام هر انسانی باید به تمام محیطش بیندشید و خود را بر مسایل محیط مسئول بدانند. به همین دلیل است که در اسلام رابطه‌ی دو طرفه میان انسان و محیط وجود دارد. هم از محیط اثر می‌پذیرد هم بر محیطش اثر می‌گذارد.

همه‌سو نگری است در مسأله‌ی اصالت فرد و اصالت جمع. نه اصالت فرد به صورت مطلق و نه اصالت جمع به طور مطلق. تأثیر متقابل فرد انسان و جامعه‌ی انسانی بر روی یکدیگر.

وقتی می‌خواهد به زندگی انسان نگاه کند، می‌گوید: ای انسان، تو باید از نظر عواطف نه یکسره مهر باشی و نه یکسره قهر و کین باشی.

اخلاق اجتماعی اسلام، اخلاق مهر و کین با هم است. اخلاق تبری و تولی با هم است. انسان نرم مزاج سراپا محبت نسبت به همه، این یک انسان نیمه تمام است از نظر اخلاق اسلام. انسان مسلمان باید به موقع بتواند خشم و قهر و کین داشته باشد، بجنگد و کشته شود. آدمی که آنقدر دل رحم است که حتی نمی‌تواند ببیند جلوی او مرغ را سر ببرند. جامعه اینگونه آدم‌ها از جامعه حمایت از حیوانات غربی سر در می‌آورد که انجمن حمایت حیوانات یک‌طرف است و نیروهای دژخیم ویتنام، فلسطین اشغالی، اریته، فیلیپین یک سر دیگرش است. مشاهده کنید جامعه حمایت از حقوق حیوانات آمریکا که در دل همان جامعه افرادی برمی‌خیزند که این جنایت ویتنام را انجام می‌دهند و آن جامعه‌ای که برای حیوانات اینقدر ارزش قائل است برای انسان نیست.

علی علیه‌السلام هم مظهر محبت و مهر بود و هم مظهر قهر. در برخورد با یک زن شوهر از دست داده‌ی یتیم‌دار چنان دلسوز است که تا خانه‌ی او می‌رود با بچه‌هایش بازی می‌کند، بچه‌هایش را نوازش کند و مواظب است که مادر و فرزند او را نشناسند که این نوازشگر دلسوز امیرالمومنین است. و در عین حال می‌فرماید: من درست همان کسی هستم که صدها را نفر که عامل فتنه در اسلام شدند با شمشیر قاطع با آنها برخورد کردم و آنها را به درک واصل کردم.

این است که می‌بینید در آیات قرآن هم سلّم، سلّام را تشویق می‌کند و هم جنگ و قتال را - البته در جای خود -.

مسأله از این بالاتر است. آن قهر اسلام هم نوعی مهر است. خداشناسی ما همین است یعنی قهاریت خداوند ضد رحمانیتش نیست. عین رحمانیتش است. چرا؟ برای اینکه قهاریت خداوند جلوه‌ی دیگری از رحمانیت

اوست. خداوند با ناپاکان قهرر دارد به دلیل اینکه نسبت به پاکی مهر دارد. - ترحم بر پلنگ تیز دندان / ستم کاری بود بر گوسپندان -

جنگ و قتال در اسلام مطلقاً حرام است. جنگ و قتال سلطه‌جویانه، جنگ و قتال خودخواهانه، حرام است.

ویژگی‌های مجاهد اسلام

مجاهد اسلامی مجاهدی نیست که بخواهند با بزم‌های شبانه آمادگی رزمی او را تأمین کنند. بالاترین رقم فحشا در ویتنام بود که ارتش آمریکا با بزم شبانه سربازان خود را مست می‌کند و فردا آنها را به مبارزه ویتنامی‌ها می‌فرستادند.

مجاهد خدا، با یاد خدا انرژی می‌گیرند تا قتال و مبارزه‌شان، فی‌سبیل‌الله باشد. اسلام دین مبارزه است و دین نماز و دین روزه؛ جهادش عبادت است. جهاد در فروع دین جزو بخش عبادات است، همچنان که نماز عبادت است. مجاهدش نیایشگر است و نیایشگرش مجاهد.

یادم است در سال‌های ۴۱ و ۴۲ در جلسات سازنده گروه‌های مختلف مؤتلفه یکی از بحث‌های حساس همین بحث بود، نمازگزارانی که جهاد را فراموش کردند اسلامشان یک بعدی است. مبارزان جان بر کفی که نماز را کوچک شمردند، نمازشان یک بعدی است. انفاق از مال گذاشتن، جهاد از جان گذاشتن، نماز یاد خدا در دل داشتن، همه با هم می‌شود اسلام. اسلامی که چند بُعدی است.

از ویژگی‌های خط امام خمینی همین است. امام در میان فقهای گرانقدر عالم تشیع یکی از ویژگی‌هایش همین چند بُعدی بودن است. از نظر وسعت نظر امام، هم فلسفه، هم عرفان، هم فقه، حدیث و هم قرآن را کار می‌کرد. با همه اینها در دروان خودسازی شناختی و معرفتی خود را ساخته و پرداخته است و چند رشته از اینها را سالها در قم تدریس کرده است. به همین دلیل خیلی وسیع می‌نگرند، خیلی وسیع می‌نگرند. و شاگرد پُرقدرش شهید مطهری نیز در وسعت نظر، تلاش، تحقیق دنباله‌رو امام خمینی بود. هم در فلسفه و عرفان تحقیق داشت و می‌کوشید تا آنجایی که منابع داشت با فلسفه‌ی جاهای مختلف دنیا آشنا شود. هم در تفسیر، فقه، اصول، تاریخ، حدیث و در این اواخر در مطالعات اقتصاد کوشش کرد و سعی کرد آنها را توسعه دهد. در مسیر تهیه مجموعه‌ای برای اقتصاد اسلامی بود که این کارش ناتمام ماند.

جذب حداکثری و دفع حداقلی

یکی از ویژگی‌های اسلامی این است که تا می‌شود همه را جذب کرد و تعداد کمی را دفع کرد. جذب حداکثری و دفع حداقلی. البته این به این معنا نیست که با همه چیز بسازیم و با همه چیز سازش نشان دهیم و با هر اندیشه‌ی التقاطی نرمش نشان دهیم. دافعه در حد ضرورت و جاذبه در حد اعلا‌ی امکان. این ویژگی‌های امام بود که در عین داشتن معیارهای بلند و قاطع، در مورد عموم مردم جامعه راهی را رفتند که حد اعلا‌ی امکان جذب کنند و دافع ایشان در حد ضرورت بود. شاخصه‌ی خیلی مهم و حساسی است.

توجه اسلام به مسایل اقتصادی

اسلام به نقش اقتصاد و عدالت اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی انسان، بسیار اهمیت می‌دهد. دین زهد و پارسایی است ولی نه زهد پارسایی و صوفی‌گرایانه. بلکه به زهد انقلابی اهمیت می‌دهد. زهد صوفی‌گرایانه کدام است؟ زهدی است که در گوشه‌ای بنشیند و آدم قانعی باشد و با یک لقمه‌ی نانی که دارد شکمش را سیر کند و به دنیا بی‌اعتناء باشد.

زهد امام‌علی‌علیه‌السلام چگونه بود؟ قنات و آب درست می‌کند، هکتارها باغ درست می‌کند و بجای آنکه صرفاً آن را در اختیار خانواده قرار دهد در اختیار فقرا قرار می‌دهد و این را عبادت می‌داند. اسلام به نقش اقتصاد اهمیت می‌دهد، اما اقتصادی که زیربنای شخصیت انسان نشود.

خیلی نازل و متنزل، فرو افتاده، سقوط کرده و سطحی‌نگری است که انسانی زیر بنای شخصیتش فقط روابط اقتصادی باشد. اقتصاد مهم است ولی زیر بنا نیست. زیر بنای شخصیت انسان ساخت معنوی و روحی و اخلاقی اوست که باید این ساخت بیاید به روابطش شکل دهد.

به این مناسبت این نظر و تز را اعلام می‌کنم و از همه کسانی که دل به حق سپردند دعوت می‌کنم که حق پرستانه و خالصانه به این تز و نظریه توجه کنند و از همه نزدیکان خودم می‌خواهم این نظریه را به طور عملی جاری کنند تا ما پیشگام تحقق بخشیدن به این نظریه باشیم. و آن نظریه این است که انقلاب اسلامی ما با روند و مناسبات اقتصادی موجود در جامعه ما در معرض خطر و آسیب قطعی است برای اینکه در این بُعد، اسلامی نشده است.

مردان و زنان و جوان و نوجوانان ما، امروز به چشم خود می‌بینند که نزدیک ۱۵ ماه از انقلاب می‌گذرد ولی هنوز در جامعه ما افراد کم درآمد و خیلی کم درآمد و گرسنه‌ها و خیلی گرسنه‌ها با هم در جامعه دیده می‌شود و تا وقتی چنین است جامعه ما اسلامی نیست.

توجه انقلاب باید به حال اقشار ضعیف باشد

من در شورای انقلاب گفتم که این درست نیست که حکومت مردم در دست ما باشد و کسی پیدا شود که شب گرسنه بخوابد؛ کسی پیدا شود که نگران است که پناهگاهش بر سر او و عزیزانش خراب شود. از آب آلوده برای خود و خانواده‌اش استفاده کند. از بیماری به ستوه آمده باشد و پولی برای درمان نداشته باشد و خود و عزیزانش در معرض خطر باشد. این قابل قبول نیست. این را چندین بار در شورای انقلاب گفته‌ام. ولی اعتراف می‌کنم در برابر ملت عزیزمان که موفقیت ما بسیار ناچیز بوده است. و امروز می‌خواهم به همه کسانی که دلشان ملامت شور و اشتیاق است و قلبشان برای این انقلاب می‌تپد، اعلام کنم باید حرکت و اقدامی سریع و قاطع و موثر آغاز کنند و آغاز کنیم و هر چه زودتر به این فاصله جهنمی سطح زندگی در جامعه جمهوری اسلامی ایران پایان بدهیم.

من خود چون از زندگی متوسط و رفاه متوسطی برخوردارم وظیفه دارم پیشگام بشوم و پیشقدم بشوم و دیگران را به پیشگامی فراخوانم. و ای کاش دیگران پیشگام می‌شدند و من به دنبال آنها می‌رفتم تا سختم از هرگونه ریاکاری و تظاهر و جاه‌طلبی به دور باشد. ولی اگر کسی جلو نیفتد ناچارم شروع کنم و عمل کنم و اعلام می‌کنم باید هر چه زودتر تلاشی برای تقسیم عادلانه همه امکانات بهتر زیستن در بین مردم پدید بیاید و گرنه اسلام‌مان باز هم تک بعدی خواهد ماند و انقلاب اسلامی ما همه جانبه نخواهد شد.

اعلام می‌کنم پیشه‌وران و بازرگانان باید بدانند سود سرشار کسب کردن، ضد اسلام است. صاحبان کارگاه‌های کوچک باید بدانند سود سرشار بردند ضد اسلام است.

مگر نه اینکه وقتی پیامبر اکرم وقتی با مهاجران به مدینه رفتند به انصار فرمود: باید هر یک ساکنان مدینه، باید یک خانواده مهاجر را در زندگی خود شریک کنند؛ مگر سال اول پیروزی انقلاب اسلام اینگونه نگذشت.

ما باید سال اول انقلاب این کار را می‌کردیم، سال دوم دیر است ولی جلوی ضرر را هر جا بگیریم نفع است البته نه نفع شخصی بلکه نفع اسلام، نفع انقلاب. امسال سال ۵۹ باید سال تقسیم عادلانه سرانه همه تولید داخلی و امکانات دیگر موجود در ایران در بین همه مناطق و جمعیت ایران بشود. اگر زود این کار را کردیم سال، سال استواری و استحکام انقلاب اسلامی خواهد بود.

این شعار که مطرح کردیم را به عنوان یک عمل اسلامی معرفی می‌کنم نه به عنوان یک عکس‌العمل شعاری در مقابل چپ‌گراهای در ناز و نعمت فرورفته که فقط شعار مردم‌داری می‌دهند. این به عنوان یک اصل اسلامی است؛ برادری لازمه‌اش چیست؟ برابری.

نمی‌شود اخوت و برادری اسلامی را محکم کرد و از آن طرف فاصله‌های نابرابر را بیشتری پذیرفت.

باید برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب برای کشور بر همین اصل باشد. البته اجرایش در سراسر کشور چندان آسان نیست زیرا مشکل اجرایی هم خیلی زیاد است. چون ما می‌خواهیم این برادری را طوری بکنیم که تقسیم فقر نباشد، نمی‌خواهیم فقر را در بین کشور تقسیم کنیم. می‌خواهیم کشور را رو به غنای اقتصادی بیشتر پیش برویم، در عین حال اشکال ندارد همینطوری که داریم به سوی غنای اقتصادی پیش می‌رویم امکانات را در کشور عادلانه تقسیم کنیم. اینها با هم منافاتی ندارد. ما دنبال طرحی در این مورد هستیم و به دوستان و همه شما پیشنهادات می‌دهم که طرح‌هایشان را برای ما به دبیرخانه شورای عالی انقلاب یا دیوان عالی کشور بفرستند.

بنابراین اسلام و انقلاب اسلامی به شرطی از منحرف شدن به سوی سرمایه‌داری غرب، یا سرمایه‌داری سنتی اردوگاه شرق مصون می‌ماند که ما مناسبات و روابط اقتصادی ظالمانه طاغوتی، انگلی دستاورد ۲۵۰۰ رژیم طاغوتی به کلی خط بزیم و مناسبات و روابط عادلانه و برادرانه‌ی اسلامی را که خود به خود آهنگ برابری دارد را جانشین آن سازیم. از همه کسانی که به شکلی از امکانات بالای رفاهی و درآمدهایی که از حد این تقسیم برخوردارند دعوت می‌کنم که بیایند برای اجرای و تحقق این آرمان اسلامی پیشقدم و همکار شوند. از مقام عالی رهبری و از مراجع تقلید، علمای صاحب نظر ما، از مسئولان گوناگون جامعه اسلامی استدعا می‌کنم، در راه تنظیم برنامه جامع و شروع هرچه سریع‌تر این اقدام انقلابی، و مرحله تکمیلی جرأت به خرج دهند و کاری کنند که این اقدام مؤثر صورت گیرد و جامعه محروم و محرومان جامعه ما، با چشم خودشان عدالت اقتصادی اسلام را تحقق یافته ببینند.

و امیدوارم، نه راه‌گرایان، این پیشنهاد خالصانه را فوری برچسب چپ‌گرایی بزنند و نه چپ‌گرایان خودفروخته، به این پیشنهاد دلسوزانه و از روی دل‌سوختگی برچسب عوام‌فریبی بزنند. این نه چپ‌گرایی است و نه فرصت‌طلبی است، بلکه پاسخی سریع به احساس اسلامی زنده مردم است و عاشقانه در پی آن هستیم که هرچه زودتر بدان دست پیدا کنیم.

والسلام علیکم و رحمه الله برکاته



اگر به بی تفاوتی کشانده شویم، یعنی مرگ انقلاب.



کتاب
گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی
صفحه ۱۰۹

